

## باب پنجاه و دوم

در نهی از دخالت در سیاست

**در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی:**

"لیس لأحد ان يعترض علی الذین یحکمون علی العباد دعوا لهم ما عندهم و توجّهوا الی القلوب." (بند ۹۵)

**و در لوح ذبیح میفرمایند:**

"لسان قدم در این سجن اعظم میفرماید ای احبّای حقّ از مفازه<sup>۱</sup> ضیق<sup>۲</sup> نفس و هوی بفضاهای مقدّسه احدیه توجّه نمائید ابداً در امور دنیا و ما یتعلّق بها و رؤسای ظاهره آن تکلم جائز نه حقّ جلّ و عزّ مملکت ظاهره را بملوک عنایت فرموده بر احدی جائز نه که ارتکاب نماید امری که مخالف رأی رؤسای مملکت باشد و آنچه از برای خود خواسته مدائن قلوب عباد بوده و احبّای حقّ الیوم بمنزله مفاتیحند انشاء الله باید کلّ بقوه اسم اعظم آن ابواب را بگشایند. این است نصرت حقّ که در جمیع زبر و الواح از قلم فالق الأصباح جاری شده."

**و در کتاب اقدس میفرمایند خطاباً بالملوک قوله تعالی:**

"تالله لا نرید ان نتصرّف فی ممالکم بل جئنا لتصرّف القلوب انّها لمنظر الهباء یشهد بذلک ملکوت الأسماء لو انتم تفقهون." (بند ۸۳)

بیانات مبارکه در اینخصوص بسیار است برای مزید اطلاع بلوح نصرت و لوح خلیل و لوح سلطان ایران و کتاب عهدی و کلمات مکنونه و هزاران الواح دیگر مراجعه شود.

**حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در ضمن الواح مبارک وصایا میفرمایند قوله العزیز:**

---

<sup>۱</sup> مفازه: بیابان خشک

<sup>۲</sup> ضیق: تنگ

"ای احبّای الهی باید سریر سلطنت هر تاجدار عادل را خاضع گردید و سده ملوکانه هر شهریار کامل را خاشع شوید. پادشاهان در نهایت صداقت و امانت خدمت نمائید و مطیع و خیرخواه باشید و در امور سیاسی بدون اذن و اجازه از ایشان مداخله ننمائید زیرا خیانت با هر پادشاه عادل خیانت با خداست هذه نصیحة مئی و فرض علیکم من عند الله فطوبی للعاملین. عع"

### و در لوح ابن ابهر میفرمایند قوله العزیز:

"احبّای الهی را کاری باختلاف و اتفاق اولیای امور نه ابدًا چنین اذکار را حتّی بر زبان نباید برانند. تکلیف احبّای الهی اطاعت اوامر و احکام اعلیحضرت پادشاهی است آنچه امر فرماید اطاعت کنند و همچنین کمال تمکین و انقیاد بجمیع اولیای امور داشته باشند. ولی در بین آنان اگر برودتی حاصل چه تعلق باحبّای الهی دارد "حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس". مقصود این است که احبّاء نباید کلمه‌ای از امور سیاسی بر زبان رانند زیرا تعلق بایشان ندارد بلکه بامور و خدمات خویش مشغول شوند و بس. در فکر آن باشند که بخدا نزدیک شوند و برضای الهی قیام نمایند و سبب راحت و آسایش و سرور و شادمانی عالم انسانی گردند و هر نفسی بخواهد در نزد احبّاء ذکری از امور حکومت و دولت نماید که فلان چنین گفته و فلان چنین کرده آن شخص که از احبّای الهی است باید در جواب گوید ما را تعلق باین امور نه ما رعیت شهریاری هستیم و در تحت حمایت اعلیحضرت پادشاهی. صلاح و مصلحت خویش خسروان دانند و بس ... علی الخصوص که بنصّ قاطع الهی ممنوع از مداخله و محاوره در امور حکومتیم. شما اینمطلب را بجمیع احبّاء تفهیم و توضیح نمائید... بکلی اینگونه امور مباین رضای ربّ غفور است."

### و نیز در لوح ابن ابهر میفرمایند قوله العزیز:

"نفسی از احبّاء اگر بخواهد در امور سیاسیّه در منزل خویش یا محفل دیگران مذاکره بکند اوّل بهتر است که نسبت خود را از این امر قطع نماید و جمیع بدانند که تعلق باین امر ندارد خود میدانند."

### و در لوح ابن اصدق از قلم میثاق نازل قوله تعالی:

"میزان بهائی بودن و نبودن این است که هر کسی در امور سیاسیّه مداخله کند و خارج از وظیفه خویش حرفی زند یا حرکتی نماید همین برهان کافیهست که بهائی نیست دلیل دیگر نمیخواهد."

### و در لوح فرائض محفل شور میفرمایند قوله العزیز:

"ابدا در مجلس شور از امور سیاسیّه دم نزنند بلکه جمیع مذاکرات در مصالح کلیّه و جزئیّه اصلاح احوال و تحسین اخلاق و تربیت اطفال و محافظه عموم از جمیع جهات باشند. و اگر چنانچه نفسی بخواهد کلمه‌ای از تصرّفات حکومت و اعتراضی بر اولیای امور نماید دیگران موافقت نمایند زیرا امرالله را قطعیا تعلق بامور سیاسیّه نبوده و نیست. امور سیاسیّه راجع باولیای امور است چه تعلق بنفوسی دارد که باید در تنظیم حال و اخلاق و تشویق بر کمالات کوشند. باری هیچ نفسی نباید که از تکلیف خود خارج شود. ع ع ... الی قوله العزیز: "خامسا منع عموم از آنچه سبب فتنه و فساد و عدم مداخله در امور سیاسیّه بالکلیّه و عدم مکالمه در این خصوص ولو بشقّ شفه و دلالت بر تمکین در جمیع احوال و سکون و محبت و دوستی با عموم."

در اینخصوص نیز تأکید بسیار در الواح مبارکه نازل شده که احصای آن از عهده بیرونست.